



دادگاه کیفری بین المللی و قابل اجرا بودن دادرسی بین المللی در حقوق اسلامی

پیمان نمایان - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و عضو انجمن ایرانی حقوق جزا
حمید رضا منیبی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه مفید

۱- مقدمه:

چه آن هایی که از کشورهای مسلمان نشین ناشی می شود و چه آن هایی که در این کشورها اتفاق می افتد، انجام داد بسیاری از نظریه پردازان ممکن است در جات متفاوت به کار گیری قوانین اسلامی در کشورهای اسلامی را به عنوان سدراهی برای صلح و موفقیت جهانی، مورد هدف قرار دهند. این نوشته این مسأله را که آیا دادرسی بین المللی به طور کلی و دادگاه کیفری بین المللی به طور اخص، تطابق با حقوق اسلامی دارند یا خیر، مورد بررسی قرار می دهد.

بخش ۲ تطابق قانون اسلامی با حقوق بین الملل مدرن را مورد بررسی قرار می دهد. قسمت «۲-الف» قوانین کنونی دادرسی بین الملل را مورد تفحص قرار می دهد؛ در حالی که قسمت ۲-ب «مسأله رالز دید» قوانین اسلامی مورد توجه قرار می دهد. بالاخره در بخش ۳، دادگاه کیفری بین المللی تألیف گردیده و ارتباط آن با کشورهای دارای قوانین اسلامی مورد تحلیل قرار می گیرد.

مسلحانه رفع می شد و گاهی اوقات بر اساس معاهدات دو جانبه یا چند جانبه که از طرفین درگیر می خواست مجرمین را محاکمه یا اسیر داد نمایند. انجام می گرفت و در مواقع دیگر مذاکرات تنهاتر با به همکاری انجام می گرفت. صرف نظر از شیوه تعیین حکم (دادرسی مناسب، اهمیت توافق کشورها در یک تبادل نظر برای تعقیب کیفری نورریست ها بسیار افزایش یافته است و دادگاه کیفری بین المللی جایگزین جالب توجهی را برای شیوه متداول تعیین شیوهی دادرسی مناسب، برای محاکمه جرائم کیفری بین المللی ارائه می دهد.

وقتی شخصی واژه ای «نورریست» را بر زبان می آورد، نصاب مردان ریش دار خاور میانه ای که مشتاق شهادت هستند، به ذهن متبادر می شود. اگر چه این مسأله حقیقتاً مسأله مطلوبی نیست ولی این بحث را پیش می آورد که چه کار دیگری می توان برای مهار نورریست و دیگر جرائم علیه بشریت

به طور معمول، جهانی شدن به فعالیت در حال رشد عوامل چند ملیتی و فشار ناشی از آن برای همسان سازی بیشتر قوانین بین المللی در راستای تسهیل در روابط اقتصادی و تجاری اشاره می کند. اما جهانی شدن هم چنین می تواند به گسترش حقوق کیفری با قابلیت اجرای جهانی، مانند قانون جهانی بر ضد «جنایات علیه بشریت» اشاره داشته باشد. اگر چه این گسترش در طی قرن بیستم اتفاق افتاد، ولی موضوع جدیدی نیست و از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، توانایی اجرا و به کار گیری اجبار کردن و به اجرا گذاشتن (ENFORCE) قوانین جهانی کیفری اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

در گذشته، کشورها به ندرت به مقامات خارجی اجازه می دادند صلاحیت قضایی خود را در ارتباط با اتباع شدن یا حتی اتباعشان کشورها که در سرزمین آن ها اقامت داشتند، اعمال کنند. اغلب اوقات، مساجرات به وسیله نوعی مذاکره و توافق و سادر گیری

۲- ساز کارهای حقوق اسلامی با حقوق بین الملل مدرن:

حقوق بین الملل مدرن در پنجاه سال گذشته به شدت تغییر یافته است. در مقابل، حقوق اسلامی یا همان «شریعت» بیش از پانزده قرن قدمت دارد و در دوران اخیر انعطاف ناپذیر به نظر می آید؛ بنابراین سؤال در این جا مسأله اساسی همزیستی است که «آیا دادرسی که

پیش نیاز برای پیوند دادن یک متهم به یک قضاوت می باشد؛ بنابراین بر رابطه میان نظام قضایی و متهم تمرکز می کند. «دادرسی اجرایی» به سادگی، قدرت اجرای قوانین است؛ این نوع دادرسی توانایی استفاده از منابع حکومت برای اجبار یا ایجاد سازگاری با قانون کشور است.^(۶) به طور متداول و سنتی، این سه نوع دادرسی باید برای این که دولتی یا

مشکل مواجه می شود؛ چرا که بسیاری از آن ها از کشورهای قربانی پس از ارتکاب جرم فرار می کنند. دادرسی ملیتی از نقص مشابهی رنج می برد. این نوع دادرسی به عنوان قدرت قضایی دولت بر تابعین کشور خود شناخته می شود و به همان اندازه از لحاظ کاربرد، جهانی است.^(۷) مشکل دادرسی ملیتی این است که بیشتر تروریست های بین المللی تابعین کشور قربانی نیستند.

اصل محافظتی و اصل شخصیت انفعالی دو شکل از دادرسی تجویزی هستند که به خصوص در ارتباط با محاکمه تروریست های بین المللی به کار می روند. اصل محافظتی از ماده (۳) ۴۰۲ لایحه، به دولت اجازه می دهد با در نظر گرفتن «عمل مشخصی که در خارج از قلمروش اتفاق افتاده»^(۸) ادعای صلاحیت قضایی کند. این عمل باید توسط کسانی که تبعه آن دولت نیستند بر علیه امنیت کشور یا میزان محدودی از منافع یک کشور دیگر انجام شود.^(۹) این اصل به یک دولت اجازه می دهد توان قضایی خود را بر فردی که اعمالش به شکل بالقوه با امنیت ملی یا عملکرد آن دولت درگیر می شود، اعمال کند.^(۱۰)

به شکلی مشابه، اصل شخصیت انفعالی از لایحه (g) ۴۰۲ ناشی می شود. بر اساس این اصل، یک دولت می تواند قوانین (به ویژه قوانین جزایی) خود را درباره عملی که خارج از قلمروش توسط شخصی که تبعیدی او نیست، در جایی که قربانی آن عمل تبعه اوست، اعمال کند.^(۱۱) این اصل به طور کلی درباره شبه جرم ها و جرایم معمولی پذیرفته شده نیست؛ ولی برای «حملات تروریستی و سازمان یافته» بر علیه تبعه یک کشور پذیرفته شده است.^(۱۲) دادگاه های امریکایی، اثر این اصل را محدود کرده و



تمایل در استفاده از شریعت دارد می تواند وظایف خود را تحت حقوق بین الملل معاصر، اجرا کند و خصوصاً این که، اصول دادرسی بین المللی چگونه قرار است به کار گرفته شود؟»

۲- الف) قواعد کنونی دادرسی بین المللی:

سه عامل اصلی دادرسی در لایحه حقوق روابط خارجی مورد بحث قرار گرفته است؛ تجویر، صدور حکم، دادرسی اجرایی.^(۱۳) «دادرسی تجویزی» اختیار دولت برای به کارگیری قانون خودش نسبت به افراد و اعمال است.^(۱۴) «دادرسی حکمی» اختیار دولت برای موضوع قرار دادن افراد مشخص یا اشخاص مشخص نسبت به روند قضایی خود می باشد.^(۱۵) معمولاً قضاوت حکمی قدرت قانونی

حکومتی بتواند یک مظنون را مورد محاکمه یا بازداشت قرار دهد، حاضر باشند.^(۱۶) دست یابی به دادرسی تجهیزات بین المللی تحت لایحه ای می تواند با استفاده از یکی از پنج جایگزین صورت گیرد؛ دادرسی ناحیه ای، ملت، محافظتی، شخصیت انفعالی یا جهانی. دادرسی ناحیه ای (منطقه ای)، که در سطح بین المللی و به واسطه حقوق بین الملل پذیرفته شده است، شامل اعمال قضاوت توسط دولت بر اموال، اشخاص، اعمال یا وقایعی است که در قلمروش اتفاق می افتد.^(۱۷) اگر چه دادرسی ناحیه ای به وضوح شناخته شده است (مورد تأیید قرار گرفته است) معمولاً در محاکمه تروریست های بین المللی با

اسلام تأکید ویژه ای بر دست یابی و مفاصل صلح دارد
اساساً کلمه «اسلام» از همان ریشه عربی
که در معنای صلح به کار می رود یعنی «سلام» گرفته شده است
مقوق اسلامی، در هر موقعیتی اعمالی را که به هرج و مرج و فحشونت
می انجامد با مجرم انگاری اشخاص
گروه ها و دولتمردانی که در اعمال ضد صلح دفاالت دارند
نفی می کند

بیان داشته اند این حقیقت محض که یک عمل بیرون از امریکاروی یکی از اتباع امریکا تأثیر می گذارد، لزوماً به این معنا نیست که امریکا می تواند روی شخصیت فاعل اعمال قضاوت کند.^(۱۵) شایان ذکر است که اگر چه استفاده از اصل محافظتی یا اصل شخصیت انفعالی می تواند منجر به تأیید دادرسی تجویزی شود، در اکثر موارد این امر بدون وجود یک معاهده ی قابل اجرا پیرامون عودت مجرمین، موجب بازگرداندن آن ها به دولت متهم کننده نمی شود. بنابراین دادرسی حکمی و دادرسی اجرایی بدون توجه به ادعای دادرسی تجویزی ممکن نخواهد بود. آخرین شکل دادرسی تجویزی، دادرسی جهانی است که موجب ایجاد حق برای هر دولتی، و برای توقیف و مجازات متجاوزین^(۱۶) می شود. در حال حاضر تنها دو مورد تثبیت شده از موارد دادرسی جهانی وجود دارد؛ دزدی دریایی و جرایم جنگی^(۱۷)

اگر چه دولت ها عموماً وجود یک حق جهانی دادگستری را که شامل اعمال تروریستی می شود، مورد تأکید قرار می دهند؛ این مسأله بسیار بحث انگیز می باشد^(۱۸) در واقع این بحث، انگیزه ای را برای ایجاد یک دادگاه کیفری بین المللی به وجود آورده که به طور

مفصل در بخش ۳ به آن می پردازیم. اگر چه دادرسی تجویزی باید برای توجیه استفاده از قوانین یک کشور، برقرار شود، ولی در حال حاضر در غیاب دادرسی اجرایی و حکمی، برای فعال کردن تعقیب و مجازات مجرمین بسیار کارساز می باشد و دولت ها را قادر به بازگرداندن یا مجازات مجرمین می سازد^(۱۹) اکثر کشورهای مسلمان عضو این کنوانسیون ها هستند و بدین وسیله پذیرفته اند که ملتزم به مفاد آن ها باشند. در رابطه با مسأله تروریسم بعضی نظریه پردازان معتقدند وظیفه بازگرداندن یا مجازات تروریست ها هم اکنون بخشی از حقوق مرسوم جامعه بین المللی است. پرفسور اوسکار شاختر در این باره می گوید: «محکومیت تروریسم بین المللی، اجباری برای تمامی دولت ها به وجود می آورد تا برای جلوگیری از تروریسم بین المللی اقدامات مناسبی را اتخاذ کنند... هر گاه تروریست های مظنون (مظنونین به تروریسم) بازداشت (توقیف) می شوند دولت باید یا آن ها را عودت دهد یا آن ها را محاکمه و مجازات کند.

این التزام، به عقیده من، در حال حاضر از حقوق مرسوم کلی بین الملل است.»^(۲۰) بنابراین حتی در نبود معاهدات استرداد

مظنونین، باز هم امکان التزام به محاکمه یا استرداد، بر اساس کنوانسیون های چند جانبه یا حقوق مرسوم بین الملل وجود دارد. البته تضاد بارزی با حقوق اسلامی وجود دارد که برای اشراف کامل به آن نیاز به انجام یک بررسی سه مرحله ای می باشد؛ اولین مرحله، مشخص کردن این است که تا چه میزان وظیفه عودت دادن یا محاکمه کردن به طور عام به عنوان قسمتی از کنوانسیون های چند جانبه قابل اجرا یا حقوق مرسوم بین المللی در نظر گرفته می شود. مرحله دوم این است که مشخص کنیم آیا کشورهای مسلمان در اغلب موارد، این مسئولیت ها را بر اساس حقوق بین الملل پذیرفته اند و اگر پذیرفته اند در مرحله سوم باید مشخص کنیم آیا آن ها با حقوق اسلامی مغایرت دارد یا خیر.

برای پاسخ به این پرسش اساسی که آیا وظیفه بین المللی وجود دارد یا خیر، باید اول به منابع سنتی حقوق بین الملل رجوع کرد. با بررسی حقوق قابل اجرای معاهدات، موجود در کشورهای مسلمان به وضوح دیده می شود که یک دولت نمی تواند به طور علنی یا ضمنی در خاک خود به تروریست ها پناه دهد.^(۲۱)

اگر چه بعضی از کشورها از اجرای حقوق اسلامی به نوعی حمایت می کنند؛

معمولاً این کار محدود به بخش های مشخصی از حقوق مثل حقوق خانواده می شود و به عنوان زیر بنای کلی دادرسی (نظام قضایی) قرار نمی گیرد. این موضوع باعث مطرح شدن این سؤال می شود که آیا حقوق بین الملل با به کارگیری وسیع تر شریعت اسلام در کشورهای اسلامی مطابقت دارد یا نه.

اسلام نباشد. اگر یکی از طرفین - چه مسلمان باشد و چه نباشد - قرارداد را نقض کند، قاضی باید مفاد آن را به اجرا گذارد. در عرصه ی بین الملل منشور ملل متحد و هر کنوانسیون که کشوری عضو آن است باید به وسیله کشورهای عضو قرار داد و دادگاه ها مورد احترام قرار گیرد.

بین بردن توجیهاست و که چهار چوب اسلامی مورد نظر تروریست های مسلمان را تشکیل می دهد.^(۲۵) در حالی که دکتر EI-Ayouty معتقد است به کارگیری حقوق اسلامی کمک قابل ملاحظه ای در حیطه های استرداد مجرمین، محاکمه و مجازات تروریست های مسلمان می کند، بیان می دارد: «سریع ترین تأثیر آن از بین بردن برچسب مسلمانانی از انجام دهندگان این جنگ جدید است که به نام اسلام در حال انجام می باشد.»^(۲۶)

اسلام تأکید ویژه ای بر دست یابی و حفظ صلح دارد. اساساً کلمه «اسلام» از همان ریشه عربی که در معنای صلح به کار می رود یعنی «سلام» گرفته شده است^(۲۸) حقوق اسلامی، در هر موقعیتی اعمالی را که به هرج و مرج و خشونت می انجامد با مجرم انگاری اشخاص، گروه ها و دولتمردانی که در اعمال ضد صلح دخالت دارند، نفی می کند.^(۲۹) قرآن می فرماید: «هر گاه آن ها جنگ را روشن می کنند خداوند آن را خاموش می سازد. تلاش آن ها ایجاد فساد در زمین است و خداوند مفسدین را دوست ندارد.»^(۳۰)

یکی از قواعد متعددی که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته این است که: «هرگز حیاتی را که خداوند اعطا کرده به نادرست نگیری؛ مگر آن که از روی حق باشد.»^(۳۱) این آیه یک منع کلی را در ارتباط با سلب حیات همراه با یک استثنای کوچک بیان می کند. استثنای موجود در این جمله عاملی نادرست برای افراطیون مسلمان محسوب می شود و به طور نادرست مورد استفاده قرار می گیرد. این استثنای قرآنی باید به وسیله دولت اسلامی و توسط سیستم قضایی آن به کار گرفته شود؛ چرا که انحصار اجرای قانون و ابزار اجرای آن در دست دولت



۲-ب) دادرسی بین الملل در حقوق اسلامی
قرآن، کتاب مقدس اسلام و منبع پایه حقوق اسلامی، در رابطه با مسائل حاکمیت کشور، دادرسی بین المللی یا استرداد مظنونین چیز زیادی بیان نمی کند. علاوه بر این سخنان پیامبر نیز در این زمینه بسیار پراکنده است.^(۳۲) با این وجود با بررسی دیگر بخش های شریعت می توانیم به راه حل هایی برسیم؛ برای مثال، حقوق قراردادها در نظام دادرسی اسلامی، تأکید بسیاری بر آزادی قراردادها دارد.^(۳۳) به علاوه قاعده ای اصولی در حقوق اسلامی وجود دارد مبنی بر این که هر چیزی مجاز است مگر این که به طور مشخص ممنوع اعلام شده باشد^(۳۴)؛ مشروط بر این که نه موضوع قرارداد و نه قصد آن مخالف با شریعت

برخلاف بسیاری از نظرات درباره حقوق اسلامی، به کارگیری کامل تر شریعت اسلامی مانعی برای توسل به حقوق بین الملل نخواهد بود. بلکه در حقیقت می تواند به عنوان ابزاری در برقراری اطاعت و پیروی گسترده عمل کند. بسیاری از مجرمین مسلمان که در سطح بین الملل مرتکب جرم شده اند و تحت تعقیب قرار گرفته یا مظنونند حقوق بین الملل و منشور ملل متحد را به طور اخص صرفاً یکی از ابتکارات طراحی شده در غرب می دانند برای تحت سلطه قرارداددن جمعیت مسلمانان جهان. در واقع همان طور که دکتر EI-Ayouty در مقاله خود درباره تروریسم بین الملل بیان می کند؛ توسل به شریعت پایه و اساسی است برای تطابق با حقوق بین المللی که ابزار قوی و تأثیر گذار در از

عضویت در دیوان کیفری بین المللی، تا حد ممکن، تعقیب

تروریست های بین المللی را در محیطی بی طرف

تضمین می کند

این عمل به استرداد مجرمین برای تعقیب

در دادگاه های ملی نیازی نخواهد داشت تا وابسته به آیین دادرسی و

راه مل های ناکارآمدی باشد که در بسیاری از

کشورهای مسلمان وجود دارند

می باشد^(۳۲) به همین ترتیب، عاملین افراطی غیر حکومتی جایگاهی در شریعت ندارند و مجاز نیستند که از استثنای مذکور به نفع خود به طور غیر قانونی استفاده کنند. بنابراین عملکرد دولت در اجرای حقوق اسلامی اجرای عدالت است نه دخالت در آن. این شامل وظیفه حقوق اسلامی برای استرداد مظنونین و اجرای قراردادهای قانونی همکاری متقابل با دیگر کشورهاست.

۳- دادگاه کیفری بین المللی و کشورهای اسلامی

دادرسی بین المللی - که یک شکل از دادرسی تجویزی است - ایده ی به کارگیری قوانین یک کشور را یک قدم فراتر می برد و برخی جرایم را آن قدر صحیح می داند که هر کشوری در دنیا می تواند از قدرت خود برای توقف آن استفاده کند و بدین سان پیوند بین عمل انجام شده و موقعیت فیزیکی را از بین ببرد. دادگاه های ملی می توانند ادعای حق برای اعمال دادرسی بین المللی کنند، اگر چه این موضوع اغلب بحث برانگیز است^(۳۳) در هر حال دادرسی جهانی، ممکن است توسط یک دادگاه کیفری بین المللی انجام گیرد؛ مثل دیوان کیفری بین المللی که به تازگی شکل گرفته است. پایه اصلی دیوان کیفری بین المللی پایان

دادن به مصونیت انجام دهندگان جرایمی است که بیشترین نگرانی ها را برای جامعه بین الملل به همراه دارد.^(۳۴) با وجود چنین هدف والایی در ذهن، بررسی رأی اولیه صادره در سال ۱۹۹۸ در رم که براساس آن دیوان کیفری بین المللی ایجاد شد، جالب است.

در میان رأی دهندگان، ۱۲۰ کشور اساس نامه را قبول و امضا کردند و هفت کشور با آن مخالف بودند...^(۳۵) در میان هفت کشور مخالف، چهار کشور، مسلمان بودند نظر به استفاده بعضی از معیارهای حقوق اسلامی داشتند.^(۳۶) دولت ها آزاد بودند به شرط آن که این کار را تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ انجام دهند متعاقباً نیز اساس نامه را امضا کنند. پس از آن تاریخ، هر کشوری که علاقمند به اعطای صلاحیت قضایی به دیوان کیفری بین المللی بود تنها می توانست به مقررات اساس نامه رم تن در دهد. در فاصله زمانی ایجاد شده بین جولای ۱۹۹۸ و پایان سال ۲۰۰۰ بسیاری از ملت ها اساس نامه را امضا کردند. در میان کشورهای امضا کننده ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، و یمن، سه کشوری که از هفت مخالف اولیه اساس نامه بودند نیز قرار داشتند. اگر چه ایالات متحده آمریکا از کشورهای امضا کننده اساس نامه رم است، هنوز آن را به

تصویب نرسانده و به نظر نمی رسد که در آینده ای نزدیک چنین کنند. از کشورهای اسلامی، یازده کشور دیگر اساس نامه را در دوره موقت امضا کردند^(۳۷) در هر حال، با موشکافی در زمان امضاها می توان به درون مایه ای از انگیزه های این کشورها و کشورهای دیگری که با تأخیر، اساس نامه را امضا کردند، دست یافت. برطبق مقررات مربوط به توسعه دیوان کیفری بین المللی فقط کشورهای امضا کننده می توانند در فرایند توسعه ایفای نقش کنند. از کل ۱۲ کشور مسلمان نشین که می توانستند اساس نامه را امضا کنند، پنج کشور این کار را در حالی که تنها ۱۰ روز به پایان زمان مقرر باقی مانده بود، انجام دادند. به نظر می رسد امضاهای دقایق پایانی حداقل در قسمتی (تا حدودی) ناشی از تمایل این کشورها برای مجاز بودن دولت های متبوعشان به تأثیر گذاری بر توسعه دیوان کیفری بین المللی بوده باشد.^(۳۸)

این تئوری با بررسی تصویب متأخر اساس نامه رم بیشتر قوت می گیرد. در کل، ۹۲ کشور از ۱۳۹ کشور امضا کننده اساس نامه رم را به تصویب رساندند که میزان ۶۶ درصدی را نشان می دهد.^(۳۹) از میان ۱۲ کشور مسلمان تنها دو کشور اساس نامه رم را تا پایان سال ۲۰۰۰



تصویب کرده اند که میزان ضعیف ۱۷٪ را نشان می دهد.^(۴۰) بر خلاف امضای اساس نامه رم، هیچ ضرب الاجلی برای توسل جستن به صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین المللی وجود ندارد. اگر چه دیوان کیفری بین المللی می تواند در موارد خاصی صلاحیت جهانی خود را نسبت به اتباع کشورهای بی اساس نامه رم را امضا نکرده اند اعمال کند.^(۴۱)

پذیرش گسترده صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین المللی در کشورهای اسلامی به وسیله تصویب اساسنامه رم می توانست موجب تغییرات مؤثری در این کشورها شود. رهبران این کشورها که اکثراً حاکمانی خود کامه اند، ممکن بود به واسطه پتانسیل تعقیب توسط دیوان کیفری بین المللی مورد تعقیب قرار گیرند؛ بدون این که بتوانند اعتبار اعمال صلاحیت جهانی یا بی طرفی دیوان را زیر سؤال برند.^(۴۲) افراد باید حداقل به عنوان عاملی بازدارنده از ارتکاب جرم عمل کنند. به علاوه، تروریست هایی که روزگاری روی پناهگاه های امن خود در کشورهای اسلامی حساب می کردند با خطر بیشتری برای تعقیب کیفری مواجه می شدند. عضویت در دیوان کیفری بین المللی، تا حد ممکن، تعقیب تروریست های بین المللی را در محیطی بی طرف تضمین می کند. این عمل به استرداد مجرمین برای تعقیب در دادگاه های ملی نیازی نخواهد داشت تا وابسته به آیین دادرسی و راه حل های ناکارآمدی باشد که در بسیاری از کشورهای مسلمان وجود دارند. یک نگرانی معمول درباره پیوستن به دیوان کیفری بین المللی این بوده که ممکن است جای صلاحیت اختصاصی حقوق اسلامی را بگیرد و قانون انسانی را جایگزین قانون خدایی کند. اگر چه وجه المصالح های بسیار برای پیوستن

کشورهای اسلامی علی رغم این نگرانی پیشنهاد شده.^(۴۳) پاسخ اکثر کشورهای مسلمان دوری گزیدن از دیوان کیفری بین المللی بوده است. اگر چه پیوستن به این دیوان مستلزم نوعی تسلیم قضایی می باشد لزوماً مستلزم سلب قدرت برای تعقیب کیفری مجرمین در داخل نمی باشد. دیوان کیفری بین المللی در شکل کنونی خود، درجه اطمینانی را برای انواع (گونه های مختلف) به وجود می آورد. دولت های عضو وقتی از تعقیب کیفری قریب الوقوع به وسیله دیوان کیفری بین المللی آگاه شدند، ممکن است تعقیب کیفری جرم مربوطه را خود انجام دهند.^(۴۴)

این مسأله به کشورهای بی که از نتایج نامناسب یا نامتناسب دیوان کیفری بین المللی می هراسند اجازه می دهد پرونده ها را به صورت داخلی حل و فصل کنند. به طور متناقض، دیوان کیفری بین المللی ممکن است بتواند به اهدافش بدون این که حتی پرونده ای را مورد قضاوت قرار دهد، به تنهایی با تحریک تعقیب داخلی جرایم، وقتی پیش از آن مورد بی توجهی قرار گرفته یا به شکل نادرستی مورد قضاوت قرار گرفته است، دست یابد. از آن جایی که اعطای حق قضاوت محدود است، دیوان کیفری بین المللی در دایره آزادی مجاز قرار دادهادر شریعت قرار می گیرد.

۴- نتیجه

استفاده درست از حقوق اسلامی در کشورهای اسلامی می تواند به گسترش و ارتقای صلح جهانی کمک کند. شریعت می تواند برای رسیدن به این هدف با حقوق بین الملل ارتباط داشته باشد، بی این که ایده های حقوقی را قربانی کند. علی رغم این مورد دیوان کیفری بین المللی فرصتی را برای کشورهای

مسلمان و دیگر کشورها که به دنبال تقویت قانون در این مناطق می باشند، به وجود آورده و عضویت در دیوان کیفری بین المللی برای این ملت ها از جهات مختلفی مفید باشد و عدالت ملی (داخلی) را با جلوگیری از جرایم ممنوعه در داخل، بهبود خواهد بخشید و سازمان بی طرف برای تعقیب کیفری مجرمین و تروریست ها به وجود می آورد؛ ریسک اعمال تحریم یا فعالیت های نظامی را کاهش می دهد و در پیچه ی اطمینانی در برابر طرفداری احتمالی (بالقوه) دیوان کیفری بین المللی به وسیله مجاز شناختن تعقیب داخلی به وجود می آورد. دوران جدید، مشکلات منحصر به فرد و پویایی را به نمایش گذاشته است. جالب است که یکی از راه های حل آن چه که احتمالاً بزرگ ترین مشکل دوران ماست؛ یعنی تروریسم بین المللی، از تقاطع یک سیستم حقوقی که قدمتش بیشتر از حقوق عرفی انگلیس است؛ یعنی شریعت و جدیدترین و احتمالاً بحث برانگیزترین سازمان بین المللی یعنی دیوان کیفری بین المللی به وجود می آید. همان طور که کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد بیان کرد، این مشکل: «یک خط جهانی است که آشکارا نیازمند عمل بین المللی است. اعمال انجام شده توسط دولت های عضو، چه به سوی عوامل دولتی و چه غیر دولتی هدف گرفته شده باشد، به خودی خود نمی تواند راه حلی را تأمین کند. ما باید همراه هم با این خط مواجه شویم.»^(۴۵)

شرکت داوطلبانه کشورهای مسلمان در دیوان کیفری بین المللی می تواند جایگزینی بی طرف و چند جانبه برای تعقیب داخلی تروریست ها ایجاد کند و بدین سان حمایت از چنین تعقیب های چند جانبه ای را در دنیای اسلامی افزایش دهد.

پی نوشت ها در آرشو مجله موجود می باشد.